

دو فصلنامه تفسیر پژوهی
سال چهارم، شماره هشتم
پاییز و زمستان ۹۶
صفحات ۸۷-۱۱۰

شیطان در آموزه‌های قرآن کریم و کتاب مقدس*

آسیه مرزانی**

داود معماری***

چکیده

شیطان، یکی از مفاهیم مهم و چالش برانگیز ادیان، به ویژه یهود، مسیحیت و اسلام به شمار می رود و از منظر آن‌ها سرنوشت آدمی به گونه‌ای در رویارویی با شیطان رقم خواهد خورد. پس آموزه‌های ناب و اصیل متون وحیانی می‌تواند مومنین را در قبال این دشمن قسم خورده، آماده و مصون نگه دارد. مطالعه و بررسی تحلیلی-تطبیقی قرآن و کتاب مقدس، ما را در تبیین ماهیت، اوصاف و جایگاه شیطان در نظام هستی و مشترکات و تمایزات آن در این دو کتاب، یاری خواهد ساخت. در هر دو منبع، شیطان مانند انسان موجودی ذی شعور و مختار، اما عاصی و رانده شده از درگاه الهی، دشمن و از عوامل گمراهی آدمی معرفی می‌شود. اما ماهیت و گاه عملکرد شیطان در قرآن و کتاب مقدس با یکدیگر متفاوت است. او در قرآن از جنس جن و در کتاب مقدس، هم‌نوع فرشتگان قلمداد شده است. حیطه‌ی قدرتش در کتاب مقدس تا تسلط بر انبیا(ع) و گمراه نمودن آن‌ها و نفوذ در برخی امور تکوینی مانند مرگ گسترش می‌یابد، حال آن‌که قرآن حداکثر میزان عملکرد او را در گمراهی انسان، وسوسه و دعوت به شر و بدی می‌داند و راهی برای او در تسلط بر اولیاء و مخلصین قائل نیست.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، کتاب مقدس، شیطان، فرشته.

*- تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۳۰

asiehmarzani@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

memari@ISR.ikiu.ac.ir

*** استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

۱. مقدمه

طرح و بررسی مشترکات ادیان مختلف، به ویژه وحیانی و توحیدی و در راس آن‌ها ادیان ابراهیمی (ع) که فکر و اندیشه‌ی صدها میلیون انسان متفکر را در سرتاسر گیتی به خود مشغول و دل و جان مشتاق ایشان را مجذوب ساخته است، مسیری است که اگر هم، همگان را به یک آبشخور واحد و مبارک رهنمون نسازد و هم زبانی را برای آنان به ارمغان نیاورد، نیک اندیشی و مدارا را در بازارشان رونق خواهد داد و هم دلی را جایگزین مراء و جدال خواهد نمود. امری که انسان امروز بیش از هر زمان دیگر، فقیر و محتاج آن است.

البته پرواضح است که مطالعات تطبیقی، خواه‌ناخواه سره را از ناسره باز می‌شناساند. ریشه‌های مشترک ادیان و مذاهب و نیز تحریفات احتمالی در برخی از متون و معارف آن‌ها، جز از این طریق، قابل ردیابی و شناسایی نیست. در این میان یکی از دل مشغولی‌های مشترک ارباب ادیان توحیدی، موجودی مرموز و رازآلود به نام شیطان است.

وجود شیطان به عنوان واقعیته‌ی مسلم در نظام خلقت، از اعتقادات اساسی سه دین یهود، مسیحیت و اسلام است که در اصل آن، اشتراک نظر دارند. در کتب مقدس این سه دین نیز به شیطان، به گونه‌ای هرچند متفاوت پرداخته شده است. در قرآن کریم و نیز کتاب مقدس، بحث شیطان و فریب انسان توسط او مطرح گردیده، در هر دو، شیطان رانده شده از درگاه الهی، دشمن آدمی و اغواکننده او معرفی می‌شود.

شیطان، در کتاب مقدس از فرشتگانی است که بر ضد خدا اظهار عدم انقیاد نمودند و به زمین سقوط کردند. او در سراسر کتاب مقدس یک شخصیت شریر و اغواکننده دارد

و زمینه فعالیتش بسیار گسترده است. همچنین، اعتقاد به جهان غیب و مصادیق آن، از جمله شیطان به عنوان یک موجود زنده، فعال و دارای آزادی، از عقاید قطعی قرآنی است و هیچ‌گونه تأویلی در مورد آن پذیرفته نیست. او از همان ابتدای خلقت انسان، سوگند یاد کرد همه‌ی انسان‌ها - به جز مخلصین - را اغوا کند و همچنان به عنوان موجودی اغواگر و گمراه‌کننده به حیات خود ادامه می‌دهد.

علی‌رغم تشابهات کلی مسأله‌ی شیطان در قرآن و کتاب مقدس، اختلافاتی نیز در این زمینه میان این دو منبع وجود دارد. شیطان یا اهریمن در سایر ادیان توحیدی غیرابراهیمی مانند دین زرتشت و حتی ادیان غیرتوحیدی مانند کیش بودا، نیز مطرح و از دغدغه‌های ذهنی مومنان به این آئین‌هاست که البته تحلیل آن در این مقام نمی‌گنجد. این پژوهش در پی یافتن پاسخ‌هایی برای این پرسش‌های اساسی، در خلال آموزه‌های قرآن کریم و کتاب مقدس است:

۱. قرآن کریم و کتاب مقدس چرا و چگونه به تبیین ماهیت و جایگاه شیطان در نظام هستی پرداخته‌اند؟
۲. مشترکات و تمایزات آموزه‌های قرآن کریم و کتاب مقدس در تبیین ماهیت و جایگاه شیطان در نظام هستی چیست؟
۳. قرآن کریم و کتاب مقدس هر کدام چه آموزه‌ها و راهکارهایی را برای مقابله آدمی با شیطان ارائه نموده‌اند؟

۱-۱. روش تحقیق

این پژوهش تطبیقی، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای و در حد توان با مراجعه به منابع معتبر صورت گرفته است. البته محدودیت‌های

نگارش در حجم یک مقاله، پژوهشگر را از طرح و بررسی بسیاری از جوانب موضوع محروم می‌سازد.

۱-۲. پیشینه موضوع

تفاسیر قرآنی در ذیل آیات مربوط به شیطان، متون روایی، کتب کلامی و منابع تاریخ ادیان و بعضاً متون عرفانی، هریک به فراخور حال به تحلیل و تبیین ماهیت و جایگاه شیطان در نظام هستی پرداخته‌اند. شروح و تفاسیر کتاب مقدس و منابع دیگر اهل کتاب نیز خالی از بررسی و تحقیقات تخصصی و یاپراکنده در این زمینه نیست، اما به گونه‌ای تطبیقی که روشنگر مشترکات و تمایزات آموزه‌ها و دیدگاه‌های ادیان ابراهیمی و متون مقدس آن‌ها در این موضوع مهم باشد کمتر مدنظر پژوهشگران و محققان ادیان بوده است. بررسی‌های هرچند ناقص این مقاله شاید گامی هرچند کوچک برای فتح این باب مبارک باشد.

۱-۳. تعریف برخی از واژگان کلیدی

الف) شیطان

بنا بر نقل مشهور از ریشه شطن (دور شدن)، و به معنای رانده شده از رحمت حق است. در زبان و فرهنگ عربی، شیطان اسمی است عام که بر هر فرد متکبر و سرکش از انس، جن و حیوان و به ویژه هر موجود ماورایی و مشاء شر اطلاق می‌گردد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵ش: ۳۲۵) البته شیطان به عنوان اسم خاص نیز به ابلیس اطلاق گردیده که از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) سرباز زد و از درگاه قرب الهی رانده شد. (حجر/۳۴)

ب) کتاب مقدس

در واقع یک کتاب نیست، بلکه مجموعه عهد عتیق و عهد جدید که در یک دوره چندصد ساله نگارش یافته، به این عنوان شناخته می‌شود. این دو عهد در اصل به پیمان قدیم و جدید معروف بوده‌اند، به این معنا که خداوند نخست با یهودیان و سپس با مسیحیان پیمان بسته است. (لوفمارک، ۱۳۸۴ش: ۳۸) عهد عتیق یا به عبارتی عهد قدیم، نخستین بخش کتاب مقدس است. این بخش تنها بخش مورد اعتماد یهودیان و قسمتی از کتاب مسیحیان است که تقریباً سه چهارم کتاب مقدس را دربر می‌گیرد. بخش دوم کتاب مقدس عهد جدید و تنها مورد پذیرش مسیحیان است و یهودیان آن را جزء کتاب مقدس خود نمی‌دانند. اصطلاح مسیحی عهد قدیم و عهد جدید ماهیتی قویا الهیاتی دارد. این اصطلاحات بر این باور استوارند که محتوای عهد عتیق به دوره‌ای تعلق دارد که خداوند با جهان ارتباط داشت و با آمدن مسیح در عهد جدید آن ارتباط تا حدی به سرآمده و یا به امری نسبی تبدیل شده است. (مک‌گراث، ۱۳۸۴ش: ۳۱۳)

در بیشتر زبان‌های اروپایی برای نامگذاری کتاب مقدس از واژه‌هایی برگرفته از واژه یونانی Biblia به معنای کتاب‌ها استفاده می‌شود. این کلمه در انگلیسی و فرانسوی Bible، در آلمانی Bibel، در هلندی Bijbel، در ایتالیایی Bibbia و در سایر زبان‌های اروپایی به گونه مشابه آن‌ها نوشته می‌شود. مسیحیان عرب با افزودن صفت مقدس، آن را الکتاب المقدس می‌خوانند. زبان‌هایی که تحت تاثیر عربی واقع شده‌اند، مانند فارسی، اردو، مالایی و ... نیز از همین تعبیر استفاده می‌کنند. (میشل، ۱۳۷۸ش: ۲۳)

۲. شیطان در کتاب مقدس

در کتاب مقدس شیطان از فرشتگان مطرود است که از آسمان سقوط کرده و سرده‌ای همه‌ی شیطان‌ها شمرده می‌شود: «فرشتگان مطرود نیز وجود دارند،

فرشتگانی که حالت اولیه خود را نگاه نداشته، ساقط شدند و بر ضد خداوند اظهار عدم انقیاد نمودند، این‌ها فرشتگان شیطان خوانده می‌شوند» (هاکس، ۱۳۷۷ش: ۶۴۸). شیطان وقتی به عنوان یک اسم خاص استفاده می‌شود، معنی دشمن و متهم کننده را افاده می‌کند. این کلمه‌ی عبری (ساطان) که به دشمن نیز ترجمه شده، در عهد جدید با دیابلوس (diabolos) یا دیو (devil) مترادف است (Easton/p۹۵). متون یهودی فرشتگان و ارواح را به نیک و بد تقسیم کرده، شیطان روح شریر اصلی شناخته می‌شود و او روح پلیدی است که به گسترش شر در عالم کمک می‌کند. با این همه شیطان خارج از سلطه و نظارت خداوند به حساب نمی‌آید (تیواری، ۱۳۸۱ش: ۱۲۸).

درباره‌ی اعتقاد به نیروهای شر و شیطان در مذهب یهود گفته شده «یهود با آیین زردشتی در بابل تماس حاصل کرد و اعتقاد به اهریمن، که آن‌ها به شیطان تعبیر نمودند در دین یهود نفوذ یافت. البته در نوشته‌ها و آثار قدیم اسرائیلی، قبل از آنکه از "اهریمن" ایرانیان آگاه شده باشند، از وجود "مار" در جنت عدن سخن رفته است، همچنین از هبوط ملائکه به روی زمین و ازدواج آن‌ها با دختران بشری، قبل از ظهور نوح نبی(ع) چیزهایی گفته‌اند. اما پس از دوران اسارت، رفته‌رفته نوشته‌های مذهبی ایشان برای روح مودی و مبدأ شر (شیطان) معتقد به یک نیروی بی‌پایان و ابدی شد که در برابر الاله قرار دارد و گروهی از دیوان و ارواح مودی (شیاطین) نیز در زیر فرمان و معاونان او هستند.» (ناس، ۱۳۵۴ش: ۵۴۷-۵۴۶). به تدریج عبرانیان باستان برای آن نیروی شریر و مودی اسامی و القابی قرار دادند که شیطان بیش از همه ذکر شده است.

۱-۲. عهد قدیم

در عهد قدیم شیطان به عنوان امتحان کننده ایوب(ع) قلمداد شده: «و روزی واقع شد که پسران خدا آمدند تا به حضور خداوند حاضر شوند و شیطان نیز در میان ایشان آمد... خداوند به شیطان گفت: آیا در بنده‌ی من، ایوب تفکر نمودی که مثل او در زمین نیست، مرد کامل و راست و خداترس که از گناه اجتناب می‌کند.» (کتاب ایوب: ۱/۶) شیطان در محضر خدا حاضر می‌شود و با اذن خدا ایوب را امتحان می‌کند ولی آزمایش او در مورد ایوب ناکام می‌ماند.

و نیز اغواء کننده داود(ع): «شیطان بر ضد بنی اسرائیل برخاسته، داود را اغوا نمود که اسرائیل را بشمارد. و داود به یوآب و سروران قوم گفت: بروید و عدد اسرائیل را از بئر شبع تا دان گرفته، نزد من بیاورید تا آن را بدانم.» (کتاب اول تواریخ ایام: ۲۱/۱)

و با یهوشع به مخاصمه برمی‌خیزد: «و یهوشع، رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور خداوند ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاد تا با او مخاصمه نماید. و خداوند به شیطان گفت: ای شیطان، خداوند تو را نهیب می‌زند.» (کتاب زکریا: ۳/۱)

در عهد قدیم، نخستین شر پدید آمده در جهان به وسوسه‌ی شیطان نسبت داده شده است. تورات در فصل دوم و سوم از سفر تکوین داستان آدم و حوا و خروج آن‌ها از بهشت را آورده که شیطان (مار) اغواکننده و عامل خروج آن دو از بهشت معرفی شده است: مار به زن گفت هرآینه نخواهید مرد، بلکه خداوند می‌داند روزی که شما از آن درخت بخورید چشمانتان باز می‌شود و مانند خدا عارف به نیک و بد خواهید بود. چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکویست، خوش نما، دلپذیر

و دانش‌افزا به نظر می‌آید، از میوه‌اش خورد و به شوهرش نیز داد، آن‌گاه چشمانشان باز شد و خود را عریان یافتند. (سفر پیدایش: ۷/۳). همچنین عهد قدیم شیطان را در سقوط انسان مؤثر می‌داند (همان)، اما داستان فرشتگان مطرود که از آسمان به زمین افتاده باشند، آن‌چنان که در انجیل آمده است در تورات یافت نمی‌شود.

عهد قدیم راهکار شیطان در رسیدن به اهدافش را تمسک به فریب و دروغ می‌داند: «او با حيله و دروغ به اهدافش می‌رسد.» (سفر تکوین: ۱/۳)

۲-۲. عهد جدید

در عهد جدید شیطان «اژدها» و «مار قدیمی» (مکاشفه یوحنا: ۹/۱۲)، «رئیس این جهان» (انجیل یوحنا: ۳۱/۱۲)، «خدای این جهان» (رساله دوم پولس رسول به قرنتیان: ۴/۴)، و «روحی که در کودکان نافرمان عمل می‌کند» (رساله پولس رسول به افسسیان: ۲/۲) خوانده شده که شخصیت شیطان و فعالیت او را در بین بشر آشکار ساخته است.

عهد جدید، قدرت و نفوذ شیطان را از ابتدای اناجیل مطرح می‌کند، زمانی که او به عنوان یک شخصیت اغواکننده در سرتاسر اناجیل، رساله‌ها و مکتوبات، بارها و بارها به عنوان یک حقیقت مهم و آشنا، اظهار یا به طور ضمنی اشاره شده است. (Smith/p۱۷).

به عنوان نمونه در نخستین صفحات انجیل متی گفته شده، حضرت عیسی (ع) در آغاز رسالت خود از سوی ابلیس مورد آزمایش قرار گرفت: «آنگاه عیسی به دست روح، به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید. و چون چهل شبانه روز روزه داشت، آخر گرسنه گردید» (انجیل متی: ۴/۳-۱) پس از سپری شدن این مدت عیسی (ع) شروع به موعظه نمود و به ابلاغ رسالت خویش پرداخت.

در مسیحیت، طبیعت اهریمنی شیطان علت اصلی رنج آدمی است، اما به دور از نظارت خداوند نیست (تیواری، ۱۳۸۱ش: ۱۶۴). علاوه بر این لفظ شیطان و شیاطین در عهد جدید برای موجودات و ارواح شریره که در انسان و حیوان داخل شده، آن‌ها را به دیوانگی مبتلا ساختند، نیز استعمال شده است: «زیرا بدو گفته بودای روح پلید از این شخص بیرون بیا.» (انجیل مرقس: ۸/۵) عیسی (ع) دیوان را از بدن بیماران بیرون می‌کرد: «ایشان را قدرت باشد که مریض‌ها را شفا دهند و دیوها را بیرون کنند.» (همان ۱۵/۳)

بنا بر آموزه‌های عهد جدید شیطان از ساعتی که به فریفتن آدم ابوالبشر (ع) و حوا پرداخت، تا کنون لحظه‌ای از کار خود غافل نبوده و تلاش می‌کند تمام آدمیان را تحت تسلط خود درآورد: «هوشیار و بیدار باشید، زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیرگران گردش می‌کند و کسی را می‌طلبد تا بلعد.» (رساله اول پطرس رسول: ۸/۵) و نیز با خدا و انسان دشمنی می‌ورزد، به همین جهت در دعا می‌گوییم «ما را از شریر نجات ده.» (انجیل متی ۱۳/۶) و ارواح شریر و فرشتگان سقوط کرده و شیاطین را رهبری می‌کند.

۲-۳. فرشتگان شیطان!

یهودیان و مسیحیان در مورد این که شیطان یکی از فرشتگان بوده است، اتفاق نظر دارند: طبیعت شیطان روحانی و فرشته‌ای است، مثل سایر فرشتگان و متمایز از سایر ممکنات. حال اعم از این که آن امتیاز عقلی باشد مثل ادراک و ذاکره و تمیز، و یا حسی مثل میل و شهوت، و یا ارادی، مثل اختیار (هاکس، ۱۳۷۷ش: ۵۴۵). پولس نیز شیاطین را فوج‌های روحانی شرارت خوانده است: «سلحه‌ی تمام خدا را

بپوشید، تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید، زیرا که ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست، بلکه با ریاست‌ها و قدرت‌ها و جهان‌داران این ظلمت و با فوج‌های روحانی شرارت در جای‌های آسمانی است.» (رساله پولس رسول به افسسیان: ۱۱-۱۲/۶)

در انجیل، شیطان جزء فرشتگانی است که به زمین انداخته شدند، این فرشته‌ها در واقع همان فرشته‌های طرد شده هستند. «در آسمان جنگ شد، میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش نیز جنگیدند ولی غلبه نیافتند، و جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد و اژدهای بزرگ یعنی آن مار قدیم که به ابلیس و شیطان مسمی است، به زمین انداخته شد و فرشتگان با وی انداخته شدند.» (مکاشفه یوحنا: ۷/۱۲)

او به واسطه گناه از درگاه خداوند رانده شده است. کتاب حزقیال نبی، سقوط شیطان را چنین توصیف می‌کند: «تو خاتم کمال و مملو حکمت و کامل جمال هستی ... تو کروبی، مسح شده‌ی سایه گستر بودی ... از روزی که تو آفریده شدی تا وقتی که بی‌انصافی در تو راه یافت به رفتار خود کامل بودی ... پس خطا ورزیدی و من تو را از کوه خدا بیرون انداختم ... دل تو از زیباییت مغرور گردید و به سبب جمالت، حکمت خود را فاسد گردانیدی ... پس تو را بر زمین می‌اندازم.» (کتاب حزقیال نبی: ۱۷/۲۸-۱۲)

این موجود شریر که اکنون نهایت تلاش خود را برای حذف پرهیزکاران از روی کره‌ی خاکی به کار گرفته، کسی نیست جز شیطان، دشمن اصلی خداوند؛ او که پیش از آمدنش به زمین، بر ضد خداوند طغیان کرد. (پترسن، ۱۳۸۴ش: ۱۴۲) بنابراین

شیطان به خاطر غرور و تکبری که داشت در مقابل خداوند طغیان و سرکشی نمود، در نتیجه از آسمان به زمین سقوط کرد.

با توجه به آنچه در کتاب مقدس بیان شده، چنین برداشت می‌شود که شیطان دارای سپاه و مأموران بسیاری است و زیردستان او دستوراتش را اجرا می‌کنند: «از آنجا که شیطان در آن واحد فقط در یک جا می‌تواند حضور یابد، پس باید مأموران بسیاری داشته باشد که دستورات او را اجرا کنند. فرشتگان نیک همراه نیکوکاران، و فرشتگان آسیب‌رسان همراه شریران و بدکاران هستند». (کهن، ۱۳۸۲ش: ۷۶)

شیطان به هر وسیله‌ای از وسایل و به هر شکلی از اشکال در می‌آید، حتی به هیأت فرشتگان نور (رساله پولس به افسسیان: ۱۲/۶-۱۱)، تا بدین وسیله بتواند انسان را به دام فریب گرفتار ساخته و از خدای خود بیزار گرداند» (هاکس، ۱۳۷۷ش: ۵۴۶)

مطرود بودن شیطان مانعی برای فعالیت او در این دنیا نیست، از این رو همواره سعی می‌کند بین مردم دشمنی ایجاد کند. در مکاشفه یوحنا بعد از انداخته شدن ازدها و فرشتگانش به زمین چنین آمده: «وای بر زمین و دریا، زیرا که ابلیس به نزد شما فرود آمده است با خشم عظیم، چون می‌داند که زمان قلیل دارد.» (مکاشفه یوحنا: ۱۲/۱۳)

شیطان تجربه کننده و آزماینده است و به عنوان مأمور خداوند به امتحان وفاداری انسان‌ها نسبت به پروردگارشان اقدام می‌کند. او از موقعیت‌های گوناگون برای اعلام جرم علیه انسان استفاده می‌نماید. روایت شده که «هنگام خروج فرزندان اسرائیل از مصر، سمائل (فرشته‌ی خرابکار) به پاخواست تا درباره‌ی ایشان اعلام جرم کند. او در پیشگاه ذات قدوس متبارک چنین گفت: ای پروردگار عالم، افراد

این ملت تاکنون بت پرستی می‌کردند، و تو خواهی دریا را برای آنان بشکافی؟!»
(کهن، ۱۳۸۲ش: ۷۸)

۲-۴. فرشته مرگ!

شیطان در کتاب مقدس وسیله مرگ و نابودی آدمیان است، به همین جهت او را ملک‌الموت یا فرشته مرگ نیز می‌نامند. هنگامی که قارون برضد موسی طغیان کرد، ملک‌الموت خواست بر ملت اسرائیل آسیب برساند و اگر چنین اقدامی را به عمل آورده بود تمامی آنها را نابود می‌کرد. (کهن، ۱۳۸۲ش: ۷۸)

شیطان قدرت بر مرگ دیگران دارد اما نه به عنوان پروردگار، بلکه به عنوان جلاد. مسیح مردمش را از چنگال شیطان که قدرت مرگ دارد، آزاد می‌کند (Easton/p۱۲۵). «پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند او (مسیح) نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا به واسطه موت، صاحب قدرت موت یعنی ابلیس را تباه سازد.» (رساله عبرانیان: ۱۴/۲)

در کتاب حکمت سلیمان(ع) گفته شده: «به رشک ابلیس مرگ به دنیا درآمد: آنان که از آن مرگ‌اند، آن را خواهند آزمود.» (حکمت سلیمان: ۴۲/۲) مرگی که ابلیس به دنیا وارد کرد، مرگ روحی است که سرانجام آن مرگ جسمی خواهد بود. در منطق کتاب مقدس انسان برای زندگی آفریده شده است و گناه باعث می‌شود که مرگ بر او عارض شود. اگر انسانی پیدا شود که هرگز گناه نکند، نمی‌میرد، چنانکه الیاس نبی این گونه است. (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲ش: ۲۴۴).

۲-۵. راهکار کتاب مقدس در مقابله با شیطان

از آنجا که آدمیان همیشه در معرض خطر ارواح خبیثه و شیاطین قرار دارند، کتاب مقدس رحمت الهی و پایبندی به احکام و فرامین خدا را به عنوان دژی محکم در

مقابل تهدید شیطان معرفی می‌کند: اگر به خاطر لطف خداوند که انسان را محافظت می‌کند نمی‌بود، ارواح خبیثه و شریران او را نابود می‌کردند: «ای شما که خداوند را دوست می‌دارید، از بدی، نفرت ورزید. او حافظ جان‌های مقدسان خود است و ایشان را از دست شریران می‌رهاند.» (کتاب مزامیر: ۱۰/۹۷) همچنین گفته شده: «امین است آن خداوندی که شما را استوار و از شریر محفوظ خواهد ساخت.» (رساله دوم پولس به تسالونیکیان: ۳/۳)

و نیز: هنگامی که ملت اسرائیل در پای کوه سینا ایستادند و گفتند: «هر آنچه را خداوند گفته است خواهیم کرد و گوش خواهیم گرفت» (سفر خروج ۲۴: ۷)، ذات قدوس مبارک به فرشته مرگ (شیطان) خطاب کرد و فرمود: اگرچه من تو را حکمران و فرمانروا بر آدمیان قرار داده‌ام، ولی تو را با این قوم کاری نخواهد بود، زیرا که ایشان فرزندان من هستند. (کهن، ۱۳۸۲ش: ۷۸)

البته پیروان کتاب مقدس گاه از وسایلی مانند افسون، تعویذ و طلسم برای خنثی کردن فعالیت‌های خطرناک ارواح شریر استفاده می‌کردند: «علاوه بر همراه داشتن تعویذهای مکتوب، قرائت برخی از آیه‌های کتاب مقدس را نیز برای مصون ماندن از آسیب ارواح شریره مفید می‌دانستند.» (آنترمن، ۱۳۸۵ش: ۲۷۷). می‌توان گفت «در تلمود سوابق زیادی برای استفاده از درمان‌های جادویی و وسایل حمایتی در برابر شیاطین خرابکار یافت می‌شوند. (همان: ۲۰۱)

۲-۶. کتاب مقدس و سرانجام شیطان

در بخش‌های مختلف تورات به نابودی شرارت اشاره شده، اما تصریح نشده عاقبت شیطان که موجودی شریر و فریب دهنده است، چه خواهد شد: «زیرا شریران

شیطان در آموزه‌های قرآن کریم و کتاب مقدس ۱۰۱

هلاک می‌شوند و دشمنان خداوند مثل خرمی مرتع‌ها، فانی خواهند شد. بلی مثل دخان فانی خواهند گردید، ... و اما آنانی که ملعون وی‌اند، منقطع خواهند شد.» (کتاب مزامیر: ۳۷/ ۲۳-۲۰)

در کتاب مقدس مسیحیان (انجیل) نیز به فرجام شیطان اشاره شده، شیطان به وسیله مسیح مغلوب و از آسمان به زیر انداخته می‌شود: «فرشته را دیدم که از آسمان نازل می‌شود و کلید هاویه را دارد و زنجیری بزرگ بر دست وی است و ازدها یعنی مار قدیمی - همان ابلیس و شیطان - را گرفتار نموده، او را هزار سال دربند می‌کشد.» (مکاشفه یوحنا: ۲۰/۳-۱)

در این مدت که شیطان دربند است، مسیح با شهادی خود (آنان که به جهت شهادت عیسی (ع) و کلام خدا سربریده شدند) که دوباره زنده می‌شوند، بر جهان سلطنت خواهد کرد، این قیامت اول است. در پایان این هزار سال، شیطان آزاد می‌شود تا مردم را بفریزد: «و بر عرصه‌ی جهان برآمده، لشکرگاه مقدسین و شهر محبوب را محاصره کردند، پس آتش از جانب خدا از آسمان فرو ریخته، ایشان را بلعید. و ابلیس که ایشان را گمراه می‌کند به دریاچه‌ی آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند و ایشان تا ابد عذاب خواهند کشید.» (همان: ۱۰-۹)

۳. شیطان در قرآن کریم

شیطان از ماده «شطن» به معنی دور افتاده از خیر است، و در قرآن کریم به هر موجود متمرّد و طغیانگری اطلاق شده است. چه از جن باشد و چه از انس و چه از سایر جنبندها. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۶۱) این کلمه همراه «ال» در قرآن کریم به یک شخص خاص - ابلیس - اشاره دارد. کلمه‌ی ابلیس نیز از ماده «بلس» به

معنی مایوس و متحیر، در قرآن کریم برای شخص خاصی استعمال شده که یکی از شیاطین است، او همان شخصی است که امر خدا را در مورد سجده به آدم(ع) اطاعت نکرد و از رحمت خدا مایوس و از آن محروم گردید و گرفتار غرور شد و از این جهت است که به او شیطان و ابلیس گفته‌اند.

او از خداوند درخواست نمود که مجازاتش را تا روز جزا به تعویق اندازد، خداوند این تعلیل در مجازات را تا زمانی معین پذیرفت، تا آن دسته از افرادی را که به پروردگارشان وفادار نیستند بدین طریق بیازماید. در این زمان او به عنوان شیطان شناخته می‌شود.

یکی از سؤالاتی که ذهن شماری از محققان را به خود مشغول داشته، این است که آیا ابلیس از جنس فرشته است؟ چه آن که در بعضی از آیات مربوط به سجده فرشتگان بر آدم(ع)، فرشتگان مستثنی منه و ابلیس مستثنی قرار گرفته است. علاوه بر این، ابلیس هم نگفت من از فرشتگان نیستم تا سجده کنم، پس اگر ابلیس از فرشتگان نبود چرا با امتناع از سجده از درگاه الهی رانده شد، و اگر فرشته بود چرا تمرد کرد؟ بدون تردید شیطان فرشته نبود زیرا فرشتگان پاک و معصوم‌اند و قادر بر تخلف و نافرمانی نیستند، قرآن هم به پاکی و عصمت آن‌ها اشاره کرده است. (انبیاء/۲۷) علاوه بر این در قرآن آشکارا اعلام می‌شود که شیطان از جماعت جنیان بوده است. (کهف/۵۰) بنابراین براساس آموزه‌های قرآن، ابلیس از طایفه جن بوده که به خاطر عبادت طولانی در صف فرشتگان مقرب الهی درآمده، اما از آنجا که از دستور خداوند سرپیچی کرد و به آدم(ع) سجده نکرد از درگاه الهی مطرود و از بهشت رانده شد. این سؤال نیز ممکن است به ذهن بسیاری از افراد خطور کند که، شیطان که موجود اغواگری است چرا آفریده شد و فلسفه وجودی او چیست؟

وجود شیطان و شیطنت و اضلال او خود مبتنی بر حکمت و مصلحتی است، و به موجب همان حکمت و مصلحت، شیطان شر نسبی است نه شر حقیقی، واقعی و مطلق. خدا شیطان را شیطان نیافرید، به این دلیل که او سال‌ها همنشین فرشتگان و بر فطرت پاک بود، ولی بعد از آزادی خود سوء استفاده کرد و بنای طغیان گذاشت و انحرافش بر اثر خواست خودش بود. از سوی دیگر، یکی از سنت‌های الهی «امتحان» است؛ به این معنا که اراده‌ی خدا بر این تعلق گرفته که همه‌ی بندگان را به اشکال گوناگون بیازماید. (بقره/۱۵۵) پس وجود شیطانی که انسان را به شر و معصیت دعوت کند از ارکان نظام عالم بشری است و القائنات او مصلحتی دارد که عموماً مردم به وسیله‌ی آن آزمایش شوند و در کوره‌ی امتحان، خالص‌ها از ناخالص‌ها جدا می‌گردند. بنابراین حکمت مهلت به شیطان، امتحان بندگان است. (مطهری، ۱۳۸۸ش: ۹۷/۱)

به تعبیر علامه طباطبایی اگر خدای تعالی ابلیس را ضد بشر تأیید نموده و او را تا وقت معلوم مهلت داده است، خود بشر را هم به وسیله‌ی ملائکه که تا دنیا باقی است، باقی‌اند تأیید فرموده است. و نیز اگر ابلیس را تأیید کرده تا بتواند باطل و کفر و فسق را در نظر بشر جلوه دهد، انسان را هم با هدایت به سوی حق تأیید نموده و ایمان را در قلبش زینت داده و محبوب ساخته است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۲/۲۴۰-۲۴۱)

طبق آیات قرآن کریم علت رانده شدن ابلیس از مقام قرب الهی، سرپیچی او از فرمان خداوند در سجده بر آدم، به دلیل استکبار و برتری طلبی بود. (اعراف/۱۲) خداوند فرمود: «چون ادعای بزرگی تو درست نیست پس تو کوچکی، و چون کوچکی، این مقام بلند جای تو نیست، این منزلت، مقام بزرگان است؛ نه جای

مستکبران. بزرگی در اطاعت است نه در استکبار و بزرگ کسی است که مطیع فرمان حق باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۱۹۶)

در آموزه‌های قرآنی شیاطین به دو دسته جنی و انسی تقسیم می‌شوند (انعام/ ۱۱۲)، نه تنها شیاطین جن، بلکه شیاطین انس هم برای گمراه کردن مردم برنامه‌ریزی‌ها می‌کنند. شیطان‌های جنی به وسیله‌ی وسوسه به شیطان‌های انسی وحی می‌کنند و شیطان‌های انسی هم آن وحی را به طور مکر و تسویل پنهانی برای این که فریب دهند یا برای این که خود فریب آن را خورده‌اند، به همدیگر می‌رسانند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۴۲/۷)

۳-۱. تبیین مکرهای شیطان

قرآن کریم در خلال آیات متعددی عوامل مختلفی را که شیطان برای گمراهی انسان‌ها به کار می‌گیرد، تبیین می‌نماید:

الف) وسوسه

معنای اصلی ماده‌ی وسوسه عبارت است از جریان صدای آهسته که در نفس پدید می‌آید و بر هر دعوت پنهانی دیگران بی‌آنکه بر طبق حقیقت باشد، خواه از شیطان انسی و یا شیطان جنی و یا از خطور باطنی وسوسه اطلاق گردیده، و در مقابل آن وحی، الهام و القائات حقیقی و رحمانی قرار دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۵ش: ۱۱۴/۱۳)

وسوسه‌ی شیطان و ایجاد شک و شبهه در انسان برای آن است که انسان در همه‌ی شئون الهی متعبد نیست و بهترین راه برای رهایی از وسوسه‌ی شک و تردید، عبادت است و اگر کسی به یقین برسد، ارزش عبادت را بهتر می‌داند و این راه عبادی را بهتر طی می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۱۳۸)

ب) زینت‌گری با وعده‌های دروغین

از جمله دام‌های شیطان که سرلوحه‌ی کارهای اوست، زینت‌گری است. «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر / ۳۹) گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمت‌های مادی را) در زمین در نظر آن‌ها زینت می‌دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت. این‌گونه شیطان با وعده‌های فریبنده به انسان می‌کوشد تا او را به اموری واهی و خیالی سرگرم کرده و از سعادت واقعی دور نماید. «يَعِدُّهُمْ وَيُمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (نساء / ۱۲۰) شیطان به آن‌ها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها، سرگرم می‌سازد در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آن‌ها وعده نمی‌دهد.

ج) ترساندن انسان‌ها

ترساندن انسان‌ها برای منحرف کردن و دور ساختن آن‌ها از مسیر حق از رایج‌ترین ترفندهای شیطان محسوب می‌شود: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران / ۱۷۵) این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس) می‌ترساند. از آن‌ها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید. «ابن عباس و مجاهد و قتاده نقل کرده‌اند: شیطان مؤمنان را به وسیله‌ی کافران می‌ترساند.» (طبرسی، ۱۴۰۸ه: ۴ / ۳۵۲)

د) دعوت به فحشاء و منکر

شیطان همواره پیروان خود را به زشتی‌ها و منکرات فرا می‌خواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ

الْمُنْكَرِ» (نور/۲۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گام‌های شیطان پیروی نکنید، هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد.

۲-۳. راهکار قرآنی مقابله با شیطان

قرآن کریم شیطان را به عنوان دشمنی آشکار برای سعادت انسان معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد که مراقب کید و مکر او باشید. «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (فاطر/۶) البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید او فقط حزتش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش‌سوزان (جهنم) باشند. بنابراین ضروری است تمام توان خود را برای مبارزه با این بزرگ‌ترین دشمن بشر به کار گرفته و از هر راه ممکن برای مقابله با او استفاده کنیم. قرآن کریم استعاذه یعنی قرار گرفتن در حصن حصین الهی را موثرترین راه مقابله در برابر شیطان می‌داند.

استعاذه یعنی پناه بردن به چیزی و چنگ زدن به آن برای محفوظ ماندن از شری که متوجه انسان است. (مصطفوی، ۱۳۶۵ش: ۲۵۸/۸) «وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (اعراف/۲۰۰) و هر گاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر که او شنونده و داناست. میبیدی در تفسیر این آیه می‌نویسد: اگر شیطان مکارم اخلاق را بر خلاف آنچه ما فرمودیم به تو گوید و نماید، تو وی را با استعاذه دفع کن و بگویی: اعوذ بالله منه، که الله شنواست، و از ضمیر تو آگاه و دانا. (میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۸۲۵/۳) استعاذه دارای اقسام زبانی، قلبی و عملی است و در آن نیز نباید به استعاذه زبانی و حتی قلبی اکتفا کرد بلکه علاوه بر زبان باید انسان در عمل نیز به خدا پناه ببرد.

البته آنچنان که پیش از این نیز اشاره شد، شیطان بر مخلصین تسلطی ندارد و تقویت اخلاص که خود نماد بارز استعاده به درگاه الهی است، می‌تواند مومنان را در برابر وسوسه‌های شیطان مصون و بیمه نماید.

۳-۳. سرانجام شیطان در قرآن

قرآن عاقبت شیطان و شیطان پرستان را اینچنین به تصویر می‌کشد: «فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ» (حشر / ۱۷) سرانجام، هر دو در آتش دوزخ خواهند بود، جاودانه در آن می‌مانند و این است کیفر ستمکاران. از ظاهر آیه برمی‌آید که ضمیرهای تنبیه به شیطان و انسان برمی‌گردد، در نتیجه در این آیه عاقبت شیطان در فریبکاری‌اش و عاقبت انسان در فریب خوردن و گمراه شدنش بیان شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ۳۷۰/۱۹)

۴. نتیجه‌گیری

وجود شیطان از منظر قرآن کریم و کتاب مقدس، حقیقتی مسلم است که هر دو در اغلب موارد نسبت به آن نگاهی یکسان و برداشتی مشترک دارند و البته در برخی موارد دیدی متفاوت و توصیفی دگرگونه.

الف) مشترکات:

۱. در هر دو کتاب، شیطان مطرود خدا و دشمن انسان است، که به واسطه نافرمانی در برابر امر خداوند از بارگاه الهی رانده شد. او به عنوان موجودی شریر به حیات خود ادامه می‌دهد و از هر راه ممکن برای فریب انسان‌ها استفاده می‌کند.

۲. هم در قرآن و هم در کتاب مقدس علت اصلی سقوط شیطان، غرور و تکبر اوست. با این تفاوت که با توجه به آیات قرآن، او به خاطر تکبرش در مقابل آدم سجده نکرد و از فرمان خداوند سرپیچی نمود، ولی تورات او را خطاکار نامیده ولی بر خطایش تصریح نکرده است.

۳. یکی دیگر از وجوه تشابه قرآن و کتاب مقدس در مورد شیطان، صفات اوست. به تعبیر هر دو کتاب، او مغرور و متکبر و از ابتدای آفرینش نسبت به سعادت انسان حسود بوده و با اغواگری، دروغ و حيله اهدافش را پیگیری می‌کند.

۴. با توجه به آیات قرآن و کتاب مقدس اصلی‌ترین حربه‌ی شیطان در رسیدن به مقصودش یعنی گمراه نمودن آدمی، وسوسه است.

۵. فلسفه خلقت شیطان که هم در قرآن و هم در کتاب مقدس به آن اشاره شده، آزمایش و امتحان بندگان است. او با تحریک انسان به نافرمانی و گناه، ایمان بندگان نسبت به خداوند را مورد محک قرار می‌دهد.

۶. تنها راه نجات از شر وسوسه‌های شیطان در قرآن، پناه بردن به خداوند است. در کتاب مقدس هم آموختن تورات و حمایت خداوند و ...، راهی برای دفع وسوسه‌های شیطانی است.

۷. سرانجام طبق دیدگاه هر دو کتاب، عاقبت شیطان و پیروان او آتش جهنم خواهد بود.

(ب) تمایزات:

۱. به لحاظ لغوی شیطان در قرآن مفهومی عام دارد و اسم خاص نیست، بلکه وصف و در معنای وصفی به معنی شریر است، که بر جنیان و آدمیان شریر نیز اطلاق

می‌شود. هرگاه در معنای خاص به کار می‌رود منظور از آن ابلیس است، ولی در کتاب مقدس شیطان مفهومی خاص دارد و به معنی دشمن و متهم کننده است. منظور از شیطان همان فرشته‌ای است که به سبب غرور و تکبر خود، از آسمان سقوط کرد. ۲. ماهیت شیطان در قرآن و کتاب مقدس متفاوت است. در کتاب مقدس، شیطان یکی از فرشتگان رانده شده از درگاه الهی است و فرشتگانی به عنوان کارگزاران او، در خدمت او هستند که فرشتگان شیطان خوانده می‌شوند. در صورتی که در قرآن، شیطان جزء فرشتگان نیست، قرآن آشکارا اعلام می‌دارد که شیطان از جماعت جنیان بوده است و ماهیتی مغایر با فرشتگان دارد. او با به جای نیاموردن امر خدا، از درگاه الهی رانده شد.

۳. در تورات بیان شده شیطان در پوشش مار وارد بهشت گردید و نخست حوا را فریب داد، و بعد حوا آدم را تشویق کرد از شجره ممنوعه بخورد. اما با توجه به آیات قرآن شیطان یا هردو و یا ابتدا آدم را فریب داد.

۴. از دیگر وجوه تمایز قرآن و کتاب مقدس این است که قرآن قدرت مطلق را از آن خداوند می‌داند و برای شیطان هیچ قدرتی قائل نیست، جز اینکه بشر را وسوسه می‌کند، و او هم مختار است که وسوسه شیطان را بپذیرد یا نه. از این رو کارهای شیطان در وسوسه، وعده‌های دروغین، تزیین ظاهر، و... خلاصه می‌شود، او در تکوین هیچ نقشی ندارد و خلقتی برای او ممکن نیست، همچنین بر بندگان مخلص هیچ تسلطی ندارد و قادر به فریب آن‌ها نخواهد بود. اما از نظر کتاب مقدس قدرت شیطان بسیار زیاد است و او را در این جهان منشأ اثر می‌داند. شیطان می‌تواند تمام انسان‌ها را وسوسه کند و فریب دهد حتی پیامبران را، علاوه بر این او قدرت نابودگری دارد و اجر اگر حکم مرگ آدمیان است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ (۱۳۶۲ش)، الخصال، مصحح علی اکبر غفاری، قم: مکان چاپ قم.
۳. _____؛ (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی قم.
۴. _____؛ (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله؛ (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۶. ابن خلدون؛ (بی تا)، مقدمه ابن خلدون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۸. امین، سید محسن؛ (۱۴۰۶ق)، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۹. تهانوی، محمد علی؛ (۱۹۹۶م)، موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۰. تهرانی، شیخ آقابزرگ؛ (۱۴۰۸ق)، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ناشر اسماعیلیان، قم: کتابخانه اسلامی.
۱۱. جرجانی، میر سید شریف؛ (۱۴۱۲ق)، التعریفات، تهران: ناصر خسرو.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۸-۱۳۸۹ش)، تفسیر تسنیم، ج ۸-۱۴-۱۵، قم: ناشر اسراء.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، به تحقیق صفوان عدنان داوری، بیروت: دار العلم الدار الشامیه.
۱۴. زمخشری، محمود؛ (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.

شیطان در آموزه‌های قرآن کریم و کتاب مقدس ۱۱۱

۱۵. شریف رضی، ابو الحسن محمد الرضی بن الحسن الموسوی؛ (۱۳۸۴ش)، نهج البلاغه، به تحقیق صبحی صالح، قم: دارالحديث للطباعة و النشر.
۱۶. شیخ مفید؛ (۱۴۱۳ق)، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
۱۷. صدر المتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ (۱۳۸۳ش)، شرح أصول الکافی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۸. طریحی، فخرالدین؛ (۱۳۵۷)، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران: ناشر کتابفروشی مرتضوی.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی؛ (۱۳۸۶ش)، قواعد فقه، جلد سوم، بخش حقوق عمومی، ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد؛ (بی‌تا)، بی‌جا، مصباح المنیر.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
۲۲. قمی، شیخ عباس؛ (۱۳۵۶ش)، الدرّ النظیم فی لغات القرآن الکریم، به تحقیق رضا استادی و ترجمه سید محمدصادق عارف، ایران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۴۲۹ق)، کافی (ط - دار الحديث) - قم.
۲۴. _____؛ (۱۴۰۷)، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مهیار، رضا؛ (بی‌تا)، فرهنگ ابجدی عربی فارسی: ناشر اسلامی.
۲۶. مطهری مرتضی؛ (۱۳۵۸ش)، مجموعه آثار.
۲۷. مجلسی، محمدباقر؛ (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.